ترجمه غیر رسمی

پنجاه و پنجمین جلسه شورای حقوق بشر

بیانیه سارا حسین، رئیس کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران

ژنو، 28 اسفند 1402

ریاست محترم، نمایندگان گرامی، ناظران، خانم‌ها و آقایان محترم،

افتخار دارم به نمایندگی از کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری‌اسلامی ‌ایران (کمیته‌حقیقت‌یاب)، همراه با همکاران عضو این کمیته، پروفسور شاهین‌ سردار‌علی وخانم ویویانا کرستیچویچ ، شورای حقوق بشر را مورد خطاب قرار دهم.

شورای حقوق بشر سازمان ملل، در آذرماه 1401، کمیته حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی در مورد جمهوری اسلامی ایران را جهت تحقیق و بررسی «موارد گزارش شده نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات آغاز شده در 25 شهریور 1401 در جمهوری اسلامی ایران، به ویژه موارد نقض مربوط به زنان و کودکان، تاسیس کرد». در بروزآوری شفاهی تیر ماه سال گذشته، برای شورا تصریح کردیم که مدارک وشواهدمان ما را در این مسیر هدایت خواهند کرد. با این انگیزه، طی سالی که گذشت دست به تحقیقات جامع ومستقلی در مورد موارد گزارش شده نقض حقوق بشر و حقایق و شرایط پیرامون آنها زدیم.

از ابتدا، با حسن نیت درصدد مشارکت وتعامل با دولت ایران بودیم. هرچند، متاسفانه دولت ایران نه همکاری نمود، نه اجازه دسترسی به کشورداد، نه تا تاریخ بهمن 1402پاسخی به 21 نامه ارسال‌شده حاکی جزئیات استعلام این کمیته، ارائه نمود. در همین زمان، دولت ایران به اعمال محدودیتهای گسترده بر ارتباطات آنلاین، از جمله، دست زدن به اقداماتی چون نظارت تجسسی، آزار واذیت وارعاب قربانیان و خانواده‌هایشان ادامه داد که منجر به منصرف شدن مردم از تعامل با این کمیته گشت. کمیته، خود در پیروی از اصل آسیب نرساندن، با در نظر گرفتن مخاطره واقعی اقدامات تلافی‌جویانه بالقوه، علیه آنهایی که در ایران آزادانه و به طور علنی نظرات خود را بیان می‌کنند از رویکردی فوق‌العاده محتاطانه درامر تحقیقات خود استفاده نمود.

با وجود این چالشها، سرانجام کمیته نائل به گردآوری و حفظ و نگاه‌داری 27000 سند و مدرک و انجام 133 مصاحبه مفصل و عمیق با قربانیان و شاهدها، از جمله 48 زن، 85 مرد هم از داخل و هم در خارج از ایران گشت. کمیته همچنین از مدارک و شواهد و تحلیلهای کارشناسان امور دیجیتال و پزشکی قانونی و قانون بین‌المللی وقانون داخلی بهره‌مند شد. کمیته همچنین با دقت تمام به بررسی مدارک رسمی دولت ایران، از جمله بیانیه‌های رسمی عمومی مقامات، همراه با 41 گزارش متعلق به ستاد حقوق بشر ایران(دریافت شده از سایر نهادهای سازمان ملل) پرداخت و همچنین به مبادله با «کمیته ویژه بررسی نا‌آرامیهای 1401»پرداخت.

بدین‌ترتیب، یافته‌های کمیته متکی بر پایه روش‌شناختی دقیق و استواری می‌باشند که پشتوانه و تایید کننده نتایج گزارش این کمیته و گزارش اتاق کنفرانس که امروز صادر شده است می‌باشند.

عالیجناب،

امروز، در همین هنگام که ما گفتگو می‌کنیم، موارد فاحش نقض حقوق بشر و جرایم بین‌المللی از جمله در قالب درگیریهای مسلحانه، در سراسر دنیا در حال ارتکاب‌یافتن هستند و موجب ویرانی زندگیهای هزاران نفر از غیرنظامیان می‌شوند، و این اوضاع، به درستی و بجا، سرخط خبرها را به‌خود اختصاص داده‌اند. شورای حقوق بشر نقش حیاتی در واکنش به این موارد نقض و تضمین دسترسی بر حقیقت، عدالت و مسئول‌نگاه‌داشتن مرتکبین و اقدامات جبرانی برای تمام قربانیان ایفا می‌کند. این شورا ‌باید از طریق روش کار و شیوه عمل خود به حفظ و تامین اصل جهان‌شمول حقوق بشر‌بپردازد و از استانداردهای دوگانه و تبعیض پرهیز نماید.

با وجود این، شورای حقوق بشر در انجام این امرنباید از رویارویی با موارد نقضی که قربانیان آن دیگر در مرکز توجه قرارندارند، همچون مورد ایران، و از دلایل اصرار به تاسیس این ماموریت روی‌گردانی نماید. استانداردهای دوگانه همچنان زمانی به‌قوت خود باقی‌اند که دولتها به سرکوب حقوق مردم خود در خاک کشور خویش می‌پردازند و در عین‌ حال دم از عدالت بین‌المللی می‌زنند. در حالی که توجه دنیا به‌جای دیگری معطوف شده، سرکوب در ایران، علیه زنان و مردانی که خواهان تغییر و در مطالبه عدالت می‌باشند، ادامه‌دارد.

عالیجناب،

کمیته احراز کرده‌ است که مقامات کشور ایران مسئول موارد فاحش نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات آغاز شده در 25 شهریور 1401 می‌باشند. این موارد نقض شامل مرگهای غیرقانونی، اعدامهای فراقضایی، استفاده غیرضروری و نامتناسب و بی‌رویه از قوه قهریه، دستگیریهای خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، تجاوز و خشونت جنسی، ناپدیدسازیهای قهری و تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت، می‌باشند. این اعمال در متن یک حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه زنان ودختران و سایر اشخاصی که برای دسترسی بر حقوق بشر ابراز همبستگی کرده‌اند ارتکاب‌یافته‌اند و ازاین‌رو برخی ازاین موارد جدی نقض حقوق بشربه حدی رسیدند که مصداق جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند. این موارد شامل قتل، شکنجه، و تجاوز، و همچنین تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت می‌باشند که با تعقیب و آزار مبتنی بر دین و اتنیک درهمتنیده می‌گردند.

اکنون اجازه دهید شما را از نتایج تحقیقات کمیته در مورد سرنوشت ژینا مهسا امینی، زن 22 ساله کرد ایرانی که جرقه اعتراضات شهریور دو سال پیش شد مطلع نمایم. طی سه روز از دستگیری توسط پلیس اخلاق به ادعای عدم رعایت قوانین حجاب اجباری، این زن جوان که آرزو داشت در آینده دکتر شود، در بازداشت جان‌باخت. تحقیقات ما احراز کرد که مرگ غیرقانونی و در اثر خشونت فیزیکی در حین بازداشت توسط مقامات کشور بوده‌است.

در پی جان‌باختن ژینا مهسا امینی، اعتراضات شهری و سپس سراسری جرقه خوردند و به آنچه که ما به‌نام جنبش «زن،زندگی،آزادی» می‌َشناسیم تبدیل شدند. زنان جوان و کودکان دانش‌آموز طلایه‌دار این جنبش شدند. زنان و دختران در اقدامی به‌نشان مبارزه با قوانین دیرینه تبعیض‌آمیز و اعمال این قوانین، حجاب از سر برداشتند. مردان و پسران به‌نشان همبستگی به این جنبش ملحق شدند، همگی خواستار تساوی حقوق، اصلاحات اجتماعی و سیاسی بودند. اقلیتها و سایر گروه‌ها که از بی‌عدالتی و تبعیض دیرینه اعمال شده توسط دولت رنج‌برده بودند نیز به این جنبش پیوستند.

مجموع و کل دستگاه دولت در واکنش به مطالبات فزاینده برای دسترسی بر حقوق اولیه و بنیادین بشر، جهت سرکوب این مطالبات، بسیج شد.

نیروهای امنیتی در طول اعتراضات از سلاحهای گرم از جمله تفنگهای جنگی، و همچنین تفنگهای ساچمه‌ای و پینت‌بال استفاده کردند که منجر به مرگها و جراحات گسترده شد. استفاده از ای کی 47س/کلاشنیکف که منجر به کشتن شمار زیادی از مردم، طی چند روز آغازین اعتراضات شد و تاثیر و تبعات بی‌رویه و نامتناسب آن بر برخی از مناطق اقلیتها به طور گسترده‌ای ثبت و مستندسازی شد.

استفاده از چنان قوای غیرضروری و نامتناسب علیه اعتراضاتی که اکثرا مسالمت‌آمیز بودند منجر به کشتار و مجروحیتهای غیر قانونی معترضین شد. آمار و ارقام معتبر حاکی از آنند که بالغ بر 551 تن از مردم، از جمله حداقل 49 زن و 68 کودک در 26 از 31 استان کشور، توسط نیروهای امنیتی کشته شدند، که به‌طور نامتناسبی مناطق اقلیت‌نشین را تحت‌تاثیر قرارداد. در تاریخ 8 مهر 1401، در«جمعه خونین»، در شهر زاهدان، به استناد اطلاعات معتبراز استان سیستان و بلوچستان، تنها در یک ‌روز 104 تن از معترضین و ناظرین که اکثرآنها مرد و پسر بودند توسط نیروهای امنیتی کشته شدند که حاکی بالاترین رقم ثبت‌شده مرگها درتنها یک‌روز در مدت تمام اعتراضات می‌باشد. مناطق کردنشین نیز به‌شدت مورد این تبعات قرارگرفتند.

کمیته ادعای دولت، مبنی بر کشته‌شدن تعداد نامعین(4ایکس) نیروهای امنیتی و مجروح شدن شمار بسیاری دیگر را تایید می‌کند. این کمیته برای بررسی این وضعیت ها در ماه خرداد از دولت اطلاعاتی در مورد شرایط این مرگ ها درخواست کرد، اما تا امروز هیچ پاسخی دریافت نکرده است تا بتواند آن ادعاها را مطابق با روش‌شناسی خود ارزیابی کند.

عالیجناب،

همانطور که ممکن است دیده باشید، تصاویر گسترده معترضانی که یک وصله محافظ سفید بر روی یک یا هر دو چشم خود پوشیده بودند، به نشانه و نماد اعتراضات شهریور 1401 تبدیل شد. این تصادفی نبود چون این کمیته الگوی هدفمند استفاده نیروهای امنیتی از سلاحهای گرم به سوی معترضان و رهگذران و اعضای حیاتی بدن معترضان وعابران، از جمله صورت، سر، گردن، بالاتنه و ناحیه تناسلی آنان را احراز کرده است. قربانیانی با گلوله های متعدد ساچمه‌ای فلزی در بدنشان نیز، گاهی پس از مجروح‌شدن، برای ماه‌ها بدون دسترسی به مراقبت های درمانی باقی‌ماندند و تنها پس از گریختن به خارج از کشور تحت مراقبتهای درمانی قرار گرفتند. با این حال، مدت ها بعد از ترک ایران، قربانیان به دلیل صحبت در مورد جراحات خود همچنان تهدید می‌شدند. نیروهای امنیتی به یک زن معترض که یک چشمش را نابینا کرده‌بودند گفته‌بودند که«هر کجا باشد پیدایش می‌کنند و سراغ چشم دیگرش می‌آیند».

عالیجناب،

نیروهای امنیتی همچنین به دستگیریهای جمعی خودسرانه معترضین اقدام‌کردند. دولت ایران اعلام نمود که 22000 تن از مردم در ارتباط با اعتراضات مورد عفو قرارگرفتند. این خود اشاره بر تعداد بسیار بالاتر بازداشتیها و متهم‌شدگان دارد.

زنان و مردان، پسران و دختران، هنگام رقصیدن، شعار دادن، نوشتن شعار، یا بوق زدن درخودرو در اقدامات مسالمت‌آمیز به‌نشانه همبستگی، به طرز فجیعی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و دستگیر شدند. پس از دستگیری، نیروهای امنیتی، بازداشت‌شدگان را به صورت دسته جمعی و به صورت هماهنگ به بازداشتگاه‌های غیر رسمی ونامعلوم که توسط وزارت اطلاعات ، بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره می شوند، منتقل کردند. همانطور که از شاهدان شنیدیم ، در حین بازداشت، معترضان، از جمله زنان و کودکان را ممنوع از ملاقات و تماس تلفنی و یا به مدت طولانی در سلول انفرادی، در شرایط غیرانسانی، نگه‌ می‌داشتند و بدین‌ترتیب آنها را از وجوه اساسی کرامت انسانی محروم می‌نمودند. نیروهای امنیتی آنان را از تماس با خانواده‌ها یا وکلایشان محروم می‌کردند و آنها را خارج از حمایت قانون قرار داده که مصداق ناپدیدسازی قهری محسوب می‌شود. برای تنبیه، تحقیر یا گرفتن اعتراف اجباری، بازداشتیان اغلب مورد اعمال خشونت جنسی و مبتنی برجنسیت قرار می گرفتند، که شامل تجاوز جنسی گروهی، تجاوز با شی، همچنین ضرب و شتم، شلاق، یا شوکهای الکتریکی بودند که مصداق شکنجه محسوب می شوند. نیروهای امنیتی به دنبال مجازات زنان، به ویژه به دلیل مشارکت آنها در جنبش «زن، زندگی، آزادی» بودند و خشونت جنسی را براین اساس که «این آزادی بود که آن ها خودشان میخواستند » توجیه می‌کردند.

کودکان مورد کشتار فراقضایی، شکنجه، تجاوز جنسی، ونگه‌داری در بازداشتگاهها همراه با بزرگسالان، اغلب در شرایطی که مصداق ناپدیدسازی ‌قهری محسوب می‌شدند، قرارگرفتند. برخی دیگر از نوجوانان با هدف «اصلاح» به مراکز بازداشت نوجوانان یا مراکز روان‌درمانی انتقال داده شدند.

محاکمات با نقض سیستماتیک روند عادلانه خدشه دار شد. اکثر افرادی که در ارتباط با اعتراضات محاکمه شدند به دادگاه های انقلاب معرفی شدند و بر اساس اتهامات مبهم «افساد فی الارض» یا «محاربه» در رابطه با رفتار یا گفتار محافظت شده در رابطه با اشکال بیان حمایت شده تحت آزادی بیان محاکمه شدند. بسیاری ازافراد تحت تعقیب کیفری عموماً در مرحله تحقیقات، به پرونده خود، نسخه ای از قضاوت و وکیل منصوب مستقل، دسترسی نداشتند. قضات دادگاه ها نسبت به معترضان آشکارا غرض نشان داده، به طرزسازمان‌یافته شکایات مربوط به تجاوز، شکنجه و بدرفتاری را نادیده گرفتند.

پیرو دادرسی های عجولانه و شتابزده و و نقض نظاممند ضمانتهای دادرسی عادلانه، حد اقل 9 مرد جوان تا ماه دسامبر 2022 ( آذر 1401) جهت ایجاد وحشت در میان سایر معترضین خودسرانه اعدام شدند. تا ژانویه 2022( دی 1402) ، دادگاه‌های ایران دست‌کم ۲۶ حکم اعدام را علیه افراد در ارتباط با اعتراضات صادر کرده بودند.

عالیجناب،

با گذشت یک سال و نیم از آغاز اعتراضات، دولت ایران هنوز نارضایتی هایی را که معترضان را در سپتامبر 2022( شهریور 1401) به خیابان ها آورد، به رسمیت نشناخته است. و دولت نه تنها ازمسئول‌نگه‌داشتن مرتکبین و پاسخگویی برای مردم گریزان است، بلکه اقدامات هماهنگ و مشترک وقاطعانه‌ای برای ساکت کردن قربانیان و خانواده های آنها که خواهان حقیقت و عدالت هستند انجام می‌دهد. دولت همچنین آنهایی را که ابراز همبستگی کردند هدف گرفت، از جمله حدود 100 روزنامه‌نگار به علت پوشش خبری اعتراضات، و وکلایی که احضار، دستگیر، محکوم، تعلیق از حرفه وکالت، توسط مقامات مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند، هدف قرار داده است تا آنها را از نمایندگی معترضان باز‌دارد.

مقامات دولتی دست به اقدامات هماهنگ وقاطعی برای پنهان کردن حقیقت در مورد معترضان کشته شده و اجبار خانواده‌های سوگوار آن ها به سکوت زدند. آنها همچنین به طور سیستماتیک و سازمان‌یافته، اعضای خانواده‌ها را به دلیل سوگواری برای عزیزانشان یا بیان آزادانه و ابراز مطالبه برای دسترسی به عدالت مورد تهدید، ارعاب، ضرب و شتم یا دستگیری قراردادند. یکی از خویشاوندان یک معترض کشته شده به ما گفت:« *ما حتی اجازه نداریم عزاداری کنیم، که بر اندوه ما می افزاید... در یک سال گذشته حتی یک نفر در ارتباط با این قتل دستگیر نشده است. اما در همین مدت چند نفر از اعضای خانواده ام دستگیر شده اند».*

یک سال و نیم گذشت ، زنان و دختران همچنان هر روزه با تبعیض قانون که عملاً تمام جنبه های زندگی خصوصی و عمومی آنها را تحت تاثیر قرارمی‌دهد، مواجه هستند. ما گزارش‌های هراس‌انگیزی در مورد استفاده دولت از هوش مصنوعی، از جمله اپلیکیشن‌های جدید موبایل، برای نظارت و اجرای قوانین حجاب اجباری توسط زنان و دختران دریافت می‌کنیم.به سختی می توان فهمید که در قرن بیست و یکم ( سال 1402) ، دسترسی زنان به ابتدایی ترین خدمات و فرصت ها، مانند مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها و دادگاه ها، یا فرصت های شغلی در دولت یا سایر بخش ها باید مشمول یک الزام کاملاً خودسرانه برای داشتن حجاب اجباری شود. اینکه یک زن یا دختر حجاب را انتخاب کند یا نه، نمی تواند تعیین کننده دسترسی او به حقوق و آزادی های بنیادین باشد.

عالیجناب،

مسئولیت و وظیفه اصلی حمایت و ارتقای حقوق بشر و آزادی های بنیادین بر عهده دولت است. اما در شرایط ایران، معافیت از مجازات تاریخی و نظاممند هر گونه امید به عدالت و جبران را از جامعه سلب کرده است، شاهدان دائماً از ما می‌پرسیدند که نتیجه یک شکایت چه می‌تواند باشد، و خاطرنشان می‌کردند که این خود معترضان هستند که در نهایت «محاکمه می‌شوند».

شجاعت قربانیان، شاهدان، و اعضای خانواده‌هایی که روایتهای خود را به ما سپرده‌اند، بر نیاز به همبستگی جهانی تأکید می‌کند، که باید با اقدامات مشخص وقاطع برای حمایت از قربانیان، از جمله با کاوش و یافتن راهبردهایی جهت دسترسی به عدالت، تطبیق داده شود.

بدون پاسخگوسازی و مسئول نگه‌داشتن عاملان و مرتکبین موارد نقض حقوق بشر دربستراعتراضات آغاز شده در 25 شهریور 1401، چرخه معافیت از مجازات نمی تواند شکسته شود. ما از دولت ایران مصرانه خواهانیم که تدابیر و اقدامات فوری و قاطعی برای توقف احکام اعدام اتخاذ کند، و همه کسانی را که خودسرانه در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده‌اند، از جمله زنانی که به دلیل سرپیچی از حجاب اجباری دستگیر شده‌اند را، به سرعت آزاد کند. آزار و اذیت قضایی قربانیان و خانواده های آنها را متوقف کند و برای آنها دسترسی بر جبران خسارت، حقیقت، عدالت و غرامت فراهم کند و سیستم تعقیب اجرای این قوانین و سیاست ها را برچیده و منحل کند.

از توجه شما سپاسگزارم